



گفت‌وگو با «فرهاد افشار»، کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی

## نیروی انسانی؛ ارزشمندترین سرمایه

در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور، نشانه‌هایی از درک اهمیت نوآوری و تلاش برای تشکیل و توسعه اکوسیستم نوآوری دیده می‌شود. البته به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که بگوییم سطح حمایت‌ها متناسب شده و به اثربخشی رسیده است. سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حال ورود به ادبیات اقتصادی کشور است. در حال حاضر اکوسیستم نوآوری ما سالم نیست و نمی‌تواند با بخش‌های مختلف بازار تعامل خوبی داشته باشد، نوآوری‌هایی که در کشور ما اتفاق می‌افتد، خیلی مناسب نیستند و اهمیت آموزش بنا به شیوه‌های مختلف در تفهیم ارزش توسعه فناوری و تحقیق و توسعه و ارزش سرمایه‌گذاری روی ایده‌های نو و فناوری‌ها مورد تأکید است. اقتصاد جهانی به این نتیجه رسیده است که بویژه در بخش فناوری و توسعه اقتصادی دانش‌بنیان، ارزشمندترین سرمایه، نیروی انسانی است که کشور ما در این زمینه پیشرو است، اما در پاره‌ای از فاکتورها عقب‌تر از برخی کشورهای منطقه هستیم. متأسفانه اطلاع‌رسانی و آگاهی مناسبی در بین فناوران استان در مورد تسهیلات و سازمان‌های حامی وجود ندارد و به‌طور کلی در زمینه کشف فرصت‌ها خیلی وضعیت خوبی نداریم. شبکه‌سازی مناسبی در بین شرکت‌های فناور استان برای استفاده از امکانات همدیگر وجود ندارد؛ لذا بسیاری از فرصت‌ها سوخت می‌شود. امیدوارم با همکاری شرکت‌های صنعتی، معدنی و کشاورزی استان کرمان در اعلام چالش‌های فناورانه خود در جهت درک تعامل با استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپای فناور و نیز سیاست‌گذاری‌ها و شبکه‌سازی‌های درستی که در اکوسیستم نوآوری استان اتفاق می‌افتد، با استفاده بیشتر از فرصت‌ها شرکت‌های فناور رشد و توسعه پیدا کنند. شرح کامل گفت‌وگو با فرهاد افشار کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی را در ادامه مطالعه نماییم.



## ◆ به نظر شما نوآوری تا چه حد توانسته است در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی کشور به‌عنوان یک مؤلفه اساسی وارد شود؟

نوآوری برای ظهور و بروز خود نیاز به یک محیط مستعد دارد و اگر این محیط مستعد نباشد، اثربخشی نوآوری به حداقل می‌رسد. در دهه، پانزده سال اخیر فاکتورهایی که نشان می‌دهد سیاست‌گذار به اهمیت فناوری و توسعه دانش در خلق ثروت رسیده، نمود پیدا کرده و در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور نشانه‌هایی از درک اهمیت نوآوری و تلاش جهت ایجاد محیط مناسب برای آنکه از آن به «تشکیل یا توسعه یک اکوسیستم نوآوری» یاد می‌شود، دیده شده است؛ برای مثال تشکیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مباحث دانش‌بنیان و صلاحیت‌های آن، حمایت از پارک‌های علم و فناوری، اقتصاد دانش‌بنیان و مواردی از این دست. در مجموع هنوز در کشور به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که بگوییم این سطح از حمایت‌ها متناسب شده و به اثربخشی رسیده است؛ چرا که ما در بخشی از این سیاست‌گذاری‌ها هنوز نشانه‌هایی از آزمون و خطا را می‌بینیم که ناشی از این است که ما به اکوسیستم توجه نکرده و تمرکز اصلی ما برای مثال بر روی افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان یا افزایش تعداد اختراعات است که این‌ها به این معنی نیست که اقتصاد، دانش‌محور و دانش‌بنیان شده است، بلکه برای توسعه واقعی اقتصاد دانش‌بنیان نیاز است که اکوسیستم نوآوری یک شهرستان، شهر یا کشور متناسب با هم رشد کنند تا شاهد باشیم که اثربخشی آن به حداکثر برسد.

## ◆ نوآوری در ایجاد بازارهای جدید و نیز باسختی متفاوت به بازارهای موجود در ایران در مقایسه با میانگین کشورهای جهان تاکنون چه نقشی ایفا کرده است؟

در مورد پاسخ به این سؤال، ابتدا لازم است یک وجه تفکیکی قائل شویم. در مدیریت نوآوری، نوآوری‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

\* نوآوری‌های حاصل از فشار تکنولوژی (Technology push)،  
\* نوآوری‌های حاصل از کشش بازار (Market Pull).

هر دو نوآوری‌هایی که اتفاق می‌افتد، در واقع دارای اهمیت بوده و پاسخگو به نیازها و خواسته‌هایی می‌باشند. تکنولوژی‌های حاصل از کشش بازار به تولید محصولات برمی‌گردد که در بازار موجود نیستند و خیل عظیمی از مشتریان به دنبال آن هستند؛ به طوری که اگر تولیدکننده یا مخترع آن را تولید و بسازد، بازار خوبی خواهد داشت؛ برای مثال واکسن کرونا زمانی که موجود نبود.

منظور از نوآوری‌های حاصل از فشار تکنولوژی، محصولاتی است که در آزمایشگاه یا محیط آکادمیک به دست می‌آید و بعداً

متصور می‌شوند که چه کاربردهایی داشته باشند تا در فضای خارج از آزمایشگاه یا محیط آکادمیک به شکلی به بازار عرضه شده و خلق نیاز کنند.

می‌توان گفت هر دو نوع نوآوری‌ها آن‌طور که باید و شاید در کشور ما اتفاق نیفتاده است؛ به این دلیل که هنوز اهمیت و ارزش نوآوری و خلاقیت درک نشده است، برای مثال هنوز ریسک (R&D) یا تحقیق و توسعه و هزینه‌های آن برای نوآوری پذیرفته نشده است. در واقع درصد بسیار کمی از هزینه شرکت‌های خصوصی ما صرف تحقیق و توسعه می‌شود، چون پشت این هزینه قطعیتی وجود ندارد که به سود برسد، ولی در اقتصادهای توسعه‌یافته به این درک رسیده‌اند که با وجود ریسک‌های عدم رسیدن به نتیجه، برای آزمایش، اختراع و پژوهش هزینه نمایند که این امر لازمه یک اقتصاد پایدار و اثربخشی ارزش‌آفرین بالا خواهد بود. نوآوری‌هایی که در کشور ما اتفاق می‌افتد خیلی مناسب نیستند. آن دسته از نوآوری‌هایی هم که رفع نیاز می‌کنند برای مثال وقتی دستگاهی اختراع می‌شود یا محصولی ساخته می‌شود متأسفانه با وجود مافیای عدم حمایت از سوی اکوسیستم نوآوری، نوآوران سرخورده شده و به کار قبلی خود برمی‌گردند و تجاری‌سازی اختراع را رها می‌کنند. همچنین اختراع‌های بی‌کاربردی که مالکان صرفاً با هدف اخذ درجه علمی، تسهیلات یا به هر دلیل دیگری به دنبال آن‌ها می‌روند و آن‌ها را به ثبت می‌رسانند را نیز می‌توان

### تمرکز اصلی ما

برای مثال بر

روی افزایش

تعداد شرکت‌های

دانش‌بنیان یا

افزایش تعداد

اختراعات است

که این‌ها به این

معنی نیست

که اقتصاد،

دانش‌محور

و دانش‌بنیان

شده است، بلکه

برای توسعه

واقعی اقتصاد

دانش‌بنیان

نیاز است که

اکوسیستم

نوآوری یک

شهرستان، شهر

یا کشور متناسب

با هم رشد کنند تا

شاهد باشیم که

اثربخشی آن به

حداکثر برسد.

## ◆ به هر حال متفاوت از کسب‌وکارهای سنتی، سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر تلقی می‌شود، مهم‌ترین چالش‌های سرمایه‌گذاری در این بخش و راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها چیست؟

زمانی روند و سرعت سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌ها یا به قولی سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر بیشتر می‌شود که سرمایه‌گذارها و حتی عموم مردم به درک درست‌تری از نوآوری، تجاری‌سازی و اهمیت فناوری و دانش در خلق اقتصاد پایدار برسند. مجدد به هزینه‌های تحقیق و توسعه اشاره می‌کنم؛ شرکت اپل حجم بالایی (حدود سه تا چهار درصد) از گردش مالی خود را برای تحقیق و توسعه در نظر می‌گیرد، در مقایسه میانگین عددی که برای این امر در ایران تخصیص پیدا می‌کند، کمتر از نیم درصد است، این امر نشان می‌دهد که ما ارزش توسعه فناوری و تحقیق و توسعه و به همان نسبت ارزش سرمایه‌گذاری روی یک ایده را متوجه نشده‌ایم، اینکه سرمایه‌گذاری روی خلق یک ایده جدید به جای تبدیل یک کارگاه معمولی به دو کارگاه یا مثلاً یک غرفه تولید میوه به دو غرفه چه نتایج و موفقیت‌های مالی بزرگی داشته و در نتیجه چه اقتصاد پایداری خواهد داشت را درک نکرده‌ایم. یکی از بهترین راه‌حل‌های این موضوع، پرداختن به امر آموزش است، از طریق معرفی تجربه‌های موفق ملی و بین‌المللی همچنین برگزاری رویدادها، استارت‌آپ ویکندها، دمودی‌ها<sup>۱</sup> (رویداد ارائه به سرمایه‌گذار)، استارت‌آپ‌دی‌ها، ریورس پیچ‌ها<sup>۲</sup> (رویداد ارائه نیازهای فناورانه) و مواردی از این دست موجب افزایش آگاهی و تمایل عموم مردم و به‌طور خاص افراد فناور و سرمایه‌دارهایی که دنبال موضوع اقتصاد فناورانه هستند، می‌شود تا به این وسیله این گروه‌ها با ارزشمندی نوآوری آشنا شده و بتوانند در این زمینه بیشتر ورود، سرمایه‌گذاری و از آن حمایت کنند.

## ◆ دورنمای رشد بخش خصوصی در عرصه نوآوری ایران و نیز استان کرمان را چگونه ترسیم می‌نمایید؟

دورنمای رشد بخش خصوصی از یک بابت بنده مبهم است، با توجه به اینکه روندهای موجود سال‌های پیش نشان می‌دهد، این بخش در حال رشد بود و به خصوص با توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، افق خوبی پیش رو داشت، اما متأسفانه در چند سال اخیر به‌ویژه در دو سه سال اخیر این روند متوقف و وضعیت مبهم شده است، به این دلیل که رشد بخش خصوصی که من تعریف آن را بخش خصوصی‌ای که انتخابش اقتصاد فناور باشد، نیازمند سیاست‌های حمایتی و نقشه راه است؛ این نوع کسب‌وکارها به‌شدت از تغییر قوانین و اقتصاد ناپایدار ضربه می‌خورند و هیچ‌گاه هم نمی‌توان با مسائل دستوری به عبارتی نام‌نگاری آن‌ها را کم یا زیاد کرد

بیان نمود. در مجموع همه این موارد ناشی از این است که اکوسیستم نوآوری ما سالم نیست و نمی‌تواند با بخش‌های مختلف بازار تعامل خوبی داشته باشد.

## ◆ روند سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روند سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران در حال توسعه است و نسبت به سال‌های قبل پیشرفت کرده است، این امر مدیون سیاست‌های حمایتی و به نوعی بازتعریف ادبیات مدیریت نوآوری در ایران است؛ در واقع بازیگران بخش تجاری‌سازی، مخترعین و مکتشفین به مرور در حال آشنایی با ادبیات موضوع هستند و سیاست‌گذاری‌ها نیز به سمتی حرکت کرده‌اند که از این سبک از سرمایه‌گذاری حمایت می‌کنند و آن را ترویج داده‌اند، البته هنوز تا رسیدن به سطح ایده‌آل فاصله داریم. در مجموع می‌توان گفت در کشور ما سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر در حال ورود به ادبیات اقتصادی است و بخش‌ها، گروه‌های انسانی یا سازمان‌هایی هستند که هر روز اعلام آمادگی می‌کنند که از طرح‌ها و ایده، حتی تیم‌هایی که تجربه قبلی موفقیت در بازار را نداشته‌اند نیز حمایت کنند.

## ◆ در مورد نقش بانک‌ها در تأمین مالی استارت‌آپ‌ها توضیح دهید.

در مورد نقش بانک‌ها باز به تعریف اکوسیستم نوآوری برمی‌گردم به این دلیل که یکی از بازیگران اصلی اکوسیستم نوآوری در سطح ملی و منطقه‌ای، بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صندوق‌ها و در واقع نهادهای مالی بوده‌اند که کار تأمین مالی، تکمیل چرخه مالی حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپا را بر عهده داشته‌اند و در این مورد می‌توانند نقش بسیار بزرگی ایفا کنند؛ که این مسئله نیز حساسیت‌های خاص خود را دارد به این دلیل اگر بانک‌ها بخواهند با برخوردهای قهری، تضامین بسیار سنگین، نرخ سود بالا و مواردی از این دست تسهیلات را در اختیار شرکت‌های متقاضی قرار بدهند، عملاً خیلی از استارت‌آپ‌ها ممکن است دلسرد شده و دنبال این سری تسهیلات نروند؛ بنابراین لازم است وجه تفکیکی بین تسهیلاتی که برای یک کار سودآورانه تخصیص پیدا می‌کند و تسهیلاتی که برای کار فناورانه‌ای که خود همراه با ریسک است که اگر اتفاقی بیفتد همراه با خلق ارزش پایدار خواهد بود، وجود داشته باشد. ضروری است دولت در این خصوص برخورد متفاوتی داشته باشد تا چنین تسهیلاتی از سمت سوداگری و کارهای دلالی به سمت توسعه دانش، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان تغییر پیدا کنند.

### منظور از

### نوآوری‌های

### حاصل از فشار

### تکنولوژی،

### محصولاتی است

### که در آزمایشگاه یا

### محیط آکادمیک

### به دست می‌آید

### و بعداً متصور

### می‌شوند که

### چه کاربردهایی

### داشته باشند تا

### در فضای خارج

### از آزمایشگاه یا

### محیط آکادمیک

### به شکلی به بازار

### عرضه شده و

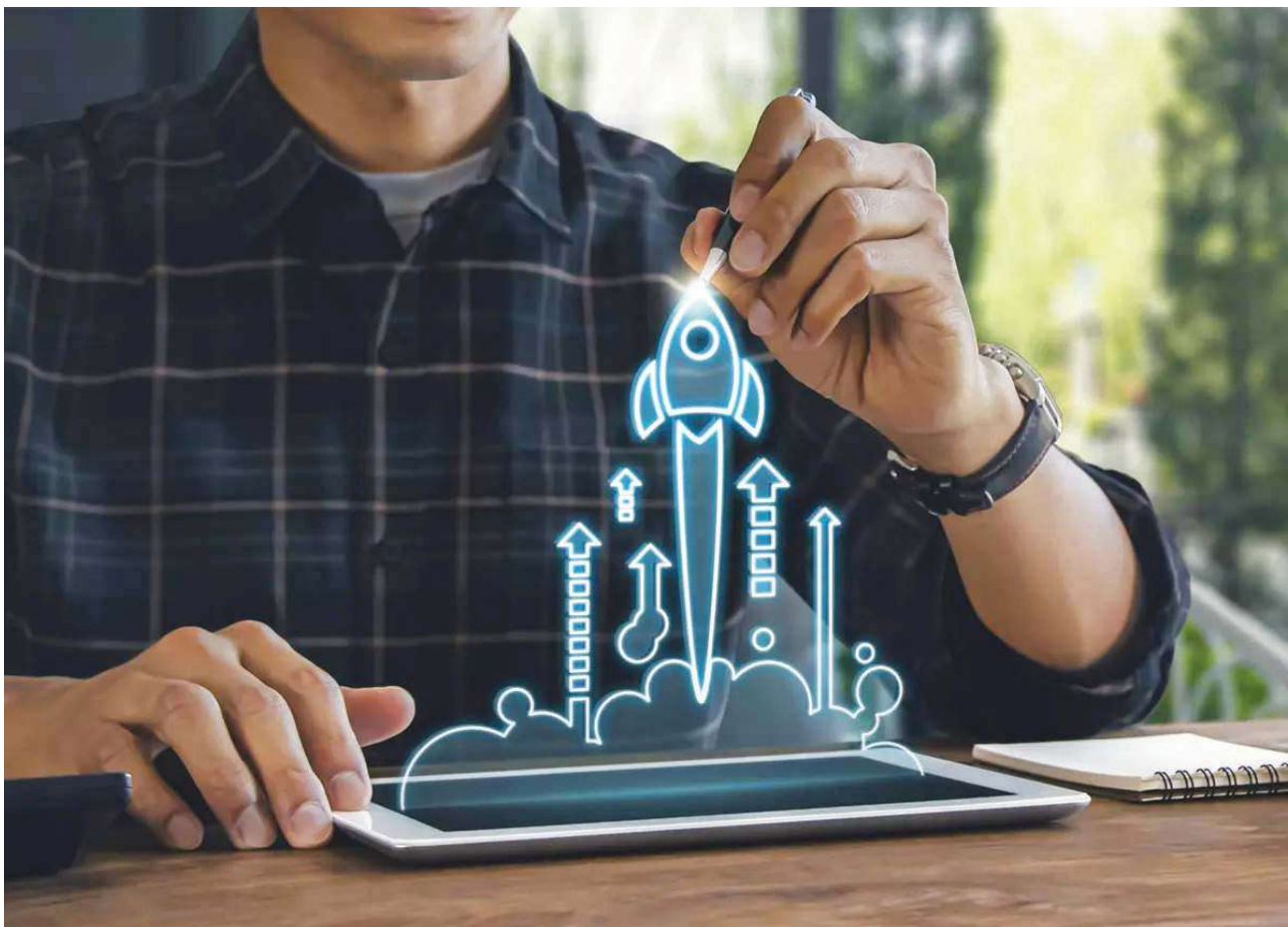
### خلق نیاز کنند.

می‌توان به جد گفت که نزدیک‌ترین کشور به ما که در زمینه اکوسیستم نوآوری حرف برای گفتن دارد، کشور ترکیه است که واقعاً استارت‌آپ‌های جالب و قوی از اکوسیستم نوآوری این کشور پا می‌گیرد که این مسئله به سیاست‌گذاری‌هایی که در این سال‌ها در این کشور انجام شده، برمی‌گردد و همین‌طور فضایی که به دلیل تسهیلات مالی و ارتباطات بین‌المللی و مواردی از این دست که در این کشور وجود دارد، باعث شده در این سال‌ها بتواند در زمینه استارت‌آپ‌ها خوب پیشرفت کند.

بعد از ترکیه، کشورهای قطر و امارات هم توانسته‌اند با ایجاد مراکز نوآوری، پارک‌های نوآوری و فناوری و ... در جهت موفقیت در حوزه فناوری تلاش کنند؛ که اگرچه تاکنون موفقیت آن‌چنانی به دست نیاورده‌اند، ولی همین‌که در این زمینه تلاش می‌کنند باعث شده وضعیت بهتری نسبت به ما در زمینه امکانات و تسهیلات داشته باشند. با توجه به مقایسه‌ای که بین گزارش‌ها و مقاله‌های منتشرشده داشته‌ام، نکته قابل توجه این است که پتانسیل نیروی انسانی کشور ایران را هیچ‌کدام از کشورهای منطقه ندارد یا حداقل کم

و محیط را برای آن‌ها مساعد نمود. حتی جالب است بدانید به‌طور کلی لازمه سرمایه‌گذاری و توسعه بخش خصوصی فناوری، محیط مستعد و آرام است، آرام از این بابت که فناوران بتوانند در بلندمدت به قواعد و قوانین مشابه فکر کنند، تجربه حضور در یک اقتصاد پایدار و آرام را داشته باشند، نرخ تورم و نرخ سود بانکی منطقی، انتظار سرمایه‌گذاران به واقعیت نزدیک باشد، مدیریت ریسک به درستی صورت بگیرد و طرح‌های امکان‌سنجی یا کسب‌وکاری که تدوین می‌کنند به حد زیادی به واقعیت نزدیک باشد. همه این‌ها باعث می‌شود این دورنما رو به رشد باشد، ولی همان‌طور که اشاره شد، این چند سال اخیر وضعیت خوب نیست و من به عنوان کسی که به صورت مستقیم در تعامل با این موضوع هستم، می‌بینیم که هر روز چالش‌های بیشتری پیش روی این شرکت‌هاست و نمی‌تواند آینده شفافی را ببیند.

◆ کدام کشور در بین کشورهای همسایه کشورمان در حوزه نوآوری و فناوری پیشرو است، آیا مقایسه‌ای از سرمایه‌گذاری و پیشرفت آن با کشورمان دارید؟ دلیل برتری عملکرد این کشور چیست؟



بهره‌مندی از آن‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و مدون خوب عمل نشده، ولی من خوش‌بین هستم که با توسعه ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان و مدیریت نوآوری روزبه‌روز این اهمیت بیشتر می‌شود و امیدواریم با همکاری شرکت‌های معدنی، صنعتی و کشاورزی استان کرمان در اعلام چالش‌های فناورانه خود در جهت تعامل با استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپای فناوری و همچنین سیاست‌گذاری‌های و شبکه‌سازی‌های مناسب که در اکوسیستم نوآوری استان اتفاق می‌افتد، شاهد این باشیم که بیشتر از این فرصت‌ها استفاده کنیم و شرکت‌های فناور هم به همین نسبت رشد و توسعه پیدا کنند. در این صورت اقتصاد دانش‌بنیان که مطلوب سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای است اتفاق خواهد افتاد.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

در پایان باز هم بر اهمیت نیروی انسانی تأکید دارم. وقتی ادبیات اقتصاد فناورانه دنیا را بررسی می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که ارزشمندترین سرمایه‌ها نه منابع طبیعی‌اند، نه دستگاه‌ها و تجهیزات و نه پول، ثروت و طلا، بلکه ارزشمندترین‌ها، نیروی انسانی است. من واقعاً به این نتیجه رسیده‌ام که این صحبت بی‌دلیل نیست و باید قدر اصلی‌ترین سرمایه‌های هر اکوسیستم نوآوری یعنی نیروی انسانی را بدانیم؛ چراکه موفقیت توسعه فناورانه را در نهایت نیروی انسانی می‌تواند تعیین نماید. اینکه ما ثروت را در معدن، در خلق یک محصول معدنی یا در تولید یک دستگاه ببینیم و آن را اولویت قرار دهیم، بسیار اشتباه است، تجربه اقتصاد پایدار جهانی نشان می‌دهد نیروی انسانی است که می‌تواند ثروتی را خلق کند که هیچ منبع طبیعی، هیچ معدنی و هیچ شرکت خام فروشی نمی‌تواند با آن رقابت کند. مثال روشن شرکت گوگل است که زمانی با پنجاه، شصت کارمند شروع کرد و به قولی نه دودی، نه دودکشی، نه ماشینی و نه سوله‌ای و نه سنگ و انفجاری فقط با چند کامپیوتر، توانست با شرکت جنرال الکتریک با چندین هزار کارگر، چندین دستگاه صنعتی پرسروصدا و پر از آلودگی به لحاظ گردش مالی رقابت کند. لازم است به این نتیجه برسیم که ارزشمندترین سرمایه‌های ما زیر خاک نیستند، در چاه‌های نفت و گاز نیستند، ارزشمندترین سرمایه‌های ما کسانی هستند که الان در مدارس یا در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند و اگر درست هدایت شوند، به‌واسطه آن‌ها می‌توان چنان خلق ثروتی کرد که هیچ منبع طبیعی نمی‌تواند آن را به وجود بیاورد. مهم‌ترین آرزوی من این است که به این اهمیت برسیم و قدر این نیروی انسانی را خوب بدانیم. سرمایه‌ای که به رایگان در حال صادرات آن به کشورهای دیگر هستیم. ◆◆

دارند، شاید فقط ترکیه نزدیک به ایران باشد. نیروی انسانی مستعد یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های یک اکوسیستم نوآوری قوی است، به این علت که هیچ جایگزینی برای آن نمی‌توان تصور شد. البته در حال حاضر اقتصاد جهانی نیز به این نتیجه رسیده که ارزشمندترین سرمایه، نیروی انسانی است؛ به ویژه در بخش فناوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان که در این زمینه کشور ما در حوزه نیروی انسانی درس آموخته و متخصص بسیار پیشرو است، ولی ما در برخی فاکتورهای حوزه مدیریت نوآوری از کشورهای منطقه عقب‌تر هستیم.

#### ◆ حوزه استارت‌آپی استان کرمان در کشف فرصت‌ها و بهره‌مند شدن از آن‌ها چگونه عمل کرده است؟ عدد سرمایه‌گذاری استارت‌آپی استان چند درصد عدد کل در فضای استارت‌آپی کشور است؟

عدد دقیقی را نمی‌توانم بگویم که چه مقدار از سرمایه‌گذاری کشور در حوزه استارت‌آپ‌ها در کرمان صورت گرفته است، ولی می‌توانم تخمین بزنم که مقدار آن کم است؛ یعنی کمتر از سهم جمعیتی ما از کشور، شاید حول و حوش چهار پنج درصد از این سرمایه‌گذاری در استان کرمان انجام می‌شود. یکی از دلایل آن این است که اطلاع‌رسانی و آگاهی مناسبی در بین فناوران استان در مورد تسهیلات و سازمان‌های حامی در زمینه توسعه استارت‌آپ‌ها وجود ندارد؛ مثلاً صندوق نوآوری شکوفایی، طرحی را برای حمایت از استارت‌آپ‌ها شروع می‌کند و استارت‌آپ‌های سایر استان‌ها از جمله اصفهان، کرج، تهران و ... از طرح آگاه شده و از آن استفاده می‌کنند، اما در استان بنا به دلایلی که یکی از آن‌ها شبکه‌سازی نامناسب می‌باشد، بسیاری از فناوران و پژوهشگران متوجه این تسهیلات نمی‌شوند و به‌تبع آن، سهم آن‌ها از بسیاری از تسهیلات کم می‌شود. هر چند اخیراً با همکاری دستگاه‌های مرتبط مانند پارک علم و فناوری و شتاب‌دهنده‌ها این تسهیلات به صورت بهتری در دسترس شرکت‌ها قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی در استان در زمینه کشف فرصت‌ها خیلی وضعیت خوبی نداریم، باز هم یکی از دلایل آن عدم آگاهی عمومی است، مشکلات صنعت مثلاً فولاد به‌طور مستمر و دقیق توسط شرکت‌های بومی بروز پیدا نمی‌کند تا شرکت‌های فناور بتوانند مسئله را حل کنند، در عوض شرکت‌های دیگر از استان‌های دیگر رفع مشکل را پوشش می‌دهند. یا اینکه وقتی شبکه‌سازی مناسبی بین شرکت‌های فناور استان جهت استفاده از امکانات همدیگر وجود ندارد، باعث می‌شود که بسیاری از این فرصت‌ها سوخت شود. در مجموع به نظر من در استان در مورد کشف فرصت‌ها و

#### لازمه

#### سرمایه‌گذاری

#### و توسعه بخش

#### خصوصی فناور،

#### محیط مستعد و

#### آرام است، آرام

#### از این بابت که

#### فناوران بتوانند

#### در بلندمدت به

#### قواعد و قوانین

#### مشابه فکر کنند،

#### تجربه حضور در

#### یک اقتصاد پایدار

#### و آرام را داشته

#### باشند، نرخ تورم

#### و نرخ سود بانکی

#### منطقی، انتظار

#### سرمایه‌گذاران به

#### واقعیت نزدیک

#### باشد، مدیریت

#### ریسک به درستی

#### صورت بگیرد

#### و طرح‌های

#### امکان‌سنجی یا

#### کسب‌وکاری که

#### تدوین می‌کنند

#### به حد زیادی به

#### واقعیت نزدیک

#### باشد.